

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

حزب کار ایران (توفان)

۱۳ می ۲۰۱۸

بیانیه حزب کار ایران (توفان) پیرامون خروج امریکا از توافقنامه "برجام"

نتایج خیانت هیأت حاکمه ایران به منافع ملی کشورما و اعتماد به امپریالیسم

ترمپ رئیس جمهور امریکا همانطور که وعده کرده بود، توافقنامه برجام (برنامه جامع مشترک) را با ایران به زیر پا گذارد و مجدداً با دروغ؛ فحاشی و زبان گلوله و تهدید و به صورت غیرقانونی در صدد توجیه نظر خود برآمد. ما در گذشته این مسأله را طرح کردیم و این شرایط را پیشبینی نمودیم. روشن است که توافقنامه؛ قرارداد نیست و این نخستین عوامفریبی امریکا در مذاکرات با تیم هسته‌ای ایران بود که توافقنامه‌ای را با فشار و شتاب به نمایندگان بی-اطلاع و بی‌سواد ایران تحمیل کرد. هر قراردادی باید به تصویب پارلمانهای کشورهای مربوطه رسیده باشد و لذا توسط رئیس جمهور وقت قابل الغاء نیست. این ایران بود که به دست مشتکی خائنکار این توافقنامه را به تصویب مجلس فرمایشی اسلامی رسانید بدون آن که نمایندگان از مضمون آن اطلاع داشته باشند و در جامعه در مورد آن در مطبوعات و رسانه‌ها بحث شده باشد. هنوز هم مردم ایران نمی‌دانند که در متن این موافقتنامه چه چیزهایی پنهان است.

با تصویب این توافقنامه در مجلس فرمایشی جمهوری اسلامی؛ همدستان امپریالیسم امریکا و اسرائیل در ایران جشن گرفتند و خائنان ایرانی به مردم کشورشان وعده کردند که تحریمها برداشته شده و وضعیت اقتصادی در ایران سامان می‌پذیرد. آنها حق مسلم ایران برای استفاده مسالمت آمیز از انرژی هسته‌ای و آموزش فناوری هسته‌ای را به قیمت حفظ سلطه مشتکی راهزن و دزد در حکومت فروختند و آرزو کردند که امپریالیسم امریکا تلاشی برای سرنگونی آنها به عمل نیاورد. زهی خیال باطل!

هیچ کدام از کشورهای طرف مذاکره با ایران؛ به این کاغذ پاره به عنوان قرارداد نگاه نکردند. برای آنها این ورق پاره توافقنامه‌ای بود که به ایران تحمیل کرده بودند. از همان آغاز؛ همانگونه که حزب ما پیشگویی کرده بود، رئیس جمهور امریکا بعد از اوپاما؛ قادر بود قانوناً این توافقنامه را که به تصویب کنگره امریکا نرسیده است، شخصاً ملغی اعلام کند. اوپاما نیز بر این حقیقت واقف بود.

نشریه توفان در شماره ۱۸۷ مهر ماه [میزان] ۱۳۹۴ - اکتوبر ۲۰۱۵ تحت عنوان "بیانیه تحلیلی حزب کار ایران (توفان) پیرامون توافقنامه هسته‌ای در وین" نوشت:

"امپریالیسم امریکا به علت مشکلاتی که در منطقه برایش پدید آمده به کسب زمان تنفس نیاز دارد و برای ده پانزده سال آینده برای خود زمان تنفس آفریده است و از هم اکنون در خفا در پی دسیسه‌های جدید است تا تمام تأسیسات هسته‌ای

ایران را به هر نحو که در اختیار خواهد داشت نابود کند. هرگز نباید به امپریالیسم اعتماد کرد. توافقنامه با امریکا در مسأله هسته‌ای دست ایران را می‌بندد و به مصالح ملی ما صدمه می‌زند. امریکا به هیچ قراردادی پایبند نیست و همه موازین و ضوابط و پیمانهای به رسمیت شناخته شده جهانی را به زیر پا می‌گذارد به وعده‌های این غارتگران چشم امید بستن خوشخیالی و تسلیم خفتبار است. رژیم جمهوری اسلامی در مورد این دورنما و عواقب علمی و فنی آتی این توافقنامه سکوت می‌کند و یا خودش واقعاً بر نتایج فاجعه بار آن آگاه نیست و یا راه خیانت ملی را آگاهانه در پیش گرفته است."

ترمپ در سخنرانی خویش برای خروج از برجام با جنجال و جعلیات اعلام کرد: «رژیم ایران اصلی‌ترین دولت حامی تروریسم است. راکت‌های خطرناک صادر می‌کند، روی آتش درگیری در سرتاسر خاورمیانه بنزین می‌ریزد و از گروه‌های تروریستی و شبه‌نظامیانی چون حزب‌الله، حماس، طالبان و القاعده حمایت می‌کند».

نشریه توفان در شماره ۱۸۲ اردیبهشت ماه [ثور] ۱۳۹۴ برابر مه ۲۰۱۵ تحت عنوان "انگشت را که دادی دست را هم می‌دهی" در مورد سیاست اوباما و اهدافی که امریکا دنبال می‌کند نوشت:

"اوباما در مصاحبه با نیویورک تایمز برای کامل کردن این صحنه سازی‌ها در خصوص نحوه برداشته شدن تحریم‌های ایران پس از توافق هسته‌ای چنین می‌گوید: "هنوز جزئیاتی باقی مانده که باید روی آن‌ها کار شود. اما فکر می‌کنم که چارچوب کلی از ایران می‌خواهد تا گام‌هایی که لازم است در خصوص تأسیسات غنی سازی فرود، سانتریفیوژها و غیره بردارد. آن وقت، تحریم‌های ملل متحد تعلیق می‌شوند. البته تحریم‌های مربوط به موضوعات اشاعه و راکت‌های بالستیک، پابرجا می‌مانند. آن زمان، ما این حق را برای خود محفوظ می‌داریم که اگر نقض توافق صورت گرفت، آن تحریم‌ها را فوراً بازگردانیم. اما اگر اینطور نشد (نقض توافق رخ نداد)، ایران قادر خواهد بود از زیر بار تحریم‌ها، به جز موارد مربوط به موضوعات اشاعه و راکت‌های بالستیک که به جای خود می‌مانند، خارج شود، البته با در نظر داشتن این که در صورت نقض (توافق)، نظارت دائمی موجب واکنش خواهد شد."

توفان در شماره ۱۹۱ بهمن ماه [دلو] ۱۳۹۴ برابر فیبروری ۲۰۱۶ تحت عنوان "قلب حق مسلم ایران در استفتاء صلح آمیز از انرژی هسته‌ای" را درآوردند" در توضیح سخنان اوباما اضافه کرد:

"آقای اوباما برای این که مبدا توهمی پیش بیاید که وی در مقابل ایران عقب‌نشینی کرده است، می‌گوید: "بر اساس توافقنامه هسته‌ای که سال گذشته ما و متحدانمان و شرکایمان با ایران دست یافتیم، ایران به بمب اتمی دست پیدا نخواهد کرد. منطقه، امریکا و جهان امن‌تر خواهد بود. همانطور که بارها گفته‌ام، این توافقنامه هسته‌ای هرگز هدفش این نبوده است که همه اختلافات ما را با ایران حل کند."

وی ادامه داد: "... می‌دانیم که همچنان اختلافات زیادی میان ایران و امریکا باقی مانده است.

... ما همچنان در مخالفت و مقابله با ایران، در رفتارهای بی‌ثبات کننده این کشور در زمینه‌های دیگر از جمله تهدید- های ایران به ضد اسرائیل و شرکای ما در حاشیه خلیج (فارس) و حمایت ایران از گروه‌های خشن در کشورهای نظیر سوریه و یمن بسیار سرسخت هستیم.

... ما همچنان تحریم‌هایی به ضد ایران به علت نقض حقوق بشر، به خاطر حمایت از تروریسم و به خاطر برنامه راکت‌های بالستیک این کشور داریم و به اجرای شدید این تحریم‌ها ادامه خواهیم داد. به طور مثال آزمایش اخیر راکتی ایران نقض وظایف بین‌المللی این کشور بود و در نتیجه امریکا در حال اعمال تحریم‌هایی به ضد افراد و شرکت‌های فعال در پیشبرد برنامه راکت‌های بالستیک ایران است و در این باره همچنان هوشیار خواهد بود و در دفاع از امنیت خود و متحدان و شرکای خود هیچ تزلزلی نخواهیم کرد." (تأکید در همه جا از توفان).."

می‌بینید که سخنان ترمپ جدید نیست، ادامه سیاست گذشته امریکاست و نتایج آن از همان روز نخست معلوم بود. اختلافات امپریالیسم امریکا با امپریالیستهای اروپائی فقط یک امر تاکتیکی است و نباید دوباره فریب آنها را خورد و برایشان حساب جداگانه باز کرد و به ناز و کرشمه آنها دل بست. همه این امپریالیستها با نظریات اوپاما و ترمپ موافقت، اختلاف بر سر نوع تحقق سیاست آنهاست. ترمپ بر این نظر است که با خروج از برجام و تشدید تحریمهای اقتصادی و سیاسی و... علیه ایران با اشد مجازات برای متخلفان و همراه با پیشنهاد مذاکرات مشترک برای توافقنامه جدید؛ به این اهداف می‌رسد. وی هوادار مذاکرات مجدد و توافقنامه نوین است تا توافقنامه قبلی را با افزودن نکات جدیدی که مورد نظر اروپائی‌ها نیز هست کامل کند.

نظر امپریالیستهای اروپا

اروپائی‌ها بر این نظرند که نباید از برجام خارج شد، بلکه باید با پذیرش ظاهری برجام فشار بر ایران و تحریمهای جدید را افزایش داد تا ایران در زیر بار فشار خورد شود و همان نظریات اوپاما-ترمپ-اسرائیل-عربستان سعودی را در متن موافقتنامه جدیدی بپذیرد. البته در این عرصه اروپائی‌ها منافع اقتصادی خویش را نیز در نظر دارند. تسلیم آنها به فشارهای امریکا یعنی که زمام اختیار امور اقتصادی و سیاسی و دیپلماتیک کشور خویش را به دست امریکا بدهند و قانونهای خویش را به زیر پا گذارده و تابع تصمیمات دولتمردان و یا کنگره امریکا گردانند. در اینجا یک مسأله اساسی نیز طرح شده است که قراردادهای و توافقنامه‌های بین‌المللی چقدر ارزش و اعتبار دارند و آیا کشورها می‌توانند به این تعهدات اعتماد کنند؟ اروپائی‌ها که امپریالیسم ضعیفتر هستند از نقض آشکار پیمانهای بین‌المللی که ممکن است در شرایط امروز به ضرر آنها تمام شود اظهار ناراحتی می‌کنند و به این جهت به ترمپ انتقاد می‌نمایند، ولی همه می‌دانند که خود این ممالک همه قوانین برسمیت شده بین‌المللی را برای پیشبرد مقاصد و منافع خویش از جمله در مورد تجاوز به یوگسلاوی، به عراق، به افغانستان، به اوکراین؛ گسترش ناتو به سمت شرق؛ به فلسطین؛ به سوریه و ایران به زیر پا گذارده‌اند. همه می‌دانند که همه این ممالک از ناقضان بزرگ حقوق بشر و ناقضان درجه یک تعهدات جهانی یعنی اسرائیل و عربستان سعودی دفاع می‌کنند و حاضر نیستند اعمال زشت آنها را در آدمکشی؛ نسل‌کشی و تجاوز نظامی محکوم کنند. همه می‌دانند که این قراردادهای بین‌المللی تا موقعی که از پشتوانه زور برخوردارند، به اعتبار این قدرت قهریه؛ اعتبار دارند، وگرنه ورق‌پاره‌ای هستند که ارزش مرکب روی خود را نیز دارا نیستند.

وقتی به سخنان امانوئل ماکرون و یا آنجلا مرکل گوش می‌دهید متوجه می‌شوید که آنها نیز همان سخنان ترمپ را با زبان ملایمتری تکرار می‌کنند. آنها هم مدعی هستند که برجام کامل نیست و باید کامل شود. آنها مخالف الغاء آن بلکه موافق تکمیل آن هستند.

روزنامه المانی زودویچه سایتونگ مورخ ۱۰/۹ ماه ما ۲۰۱۸ نوشته است: "متحدان اروپائی تلاش کردند به لطایف الحیل ظرافتهای قرارداد را حفظ کنند، ولی در عین حال انتقادات محقانه ترمپ نسبت به برخورد ایران با همسایگانش را در نظر بگیرند." (تکیه از توفان).

رهبان بریتانیا؛ فرانسه و المان با برنامه ساخت راکت ایران؛ با سیاست خارجی ایران مبنی بر مخالفت با سیاستهای صهیونیستی و تجاوزکارانه اسرائیل و حمایت از مبارزات مردم یمن؛ بحرین و فلسطین مخالفند. آنها مخالفند که ایران به دعوت دولت قانونی سوریه به سوریه برود و با داعش بجنگد و از حق حاکمیت و تمامیت ارضی سوریه دفاع کند. آنها نیز مانند ترمپ به ایرانی علاقمندند که دست‌نشانده آنها باشد و نقش ژاندارمی امپریالیسم را در منطقه ایفاء کند و

"امنیت" اسرائیل را تامین کرده و این کشور متجاوز و مصنوعی را به رسمیت بشناسد. آنها یک محمد رضا شاه دیگر در ایران می‌خواهند که سرکوبگر جنبش ظفار و همدست عربستان سعودی باشد.

نشریه توفان در شماره ۱۸۹ آذر ماه ۱۳۹۴ برابر دسامبر ۲۰۱۵ تحت عنوان "بیانیه تحلیلی حزب کار ایران (توفان) پیرامون توافقنامه هسته ای در وین" نوشت: "امپریالیسم امریکا قصد داشت با دسیسه چینی در منطقه، تقویت و تسلیح عربستان سعودی و امارات متحده عربی، علم کردن داعش، تجاوز به سوریه و یمن و قتل عام مردم فلسطین در نوار غزه توسط صهیونیسم و عملیات مشابه، ایران را به زانو در آورد و به مصالحه در عرصه سیاست خارجی بکشاند".

همین سیاست را امپریالیسم امریکا هنوز اکنون ادامه می‌دهد. در این سیاست تغییری پیدا نشده است. تنها تاخیر به وجود آمده و جایگاه اولویتها تغییر کرده است.

ایران؛ عراقی دیگر

امپریالیستها و صهیونیستها بیاری اپوزیسیون جاسوس و خودفروخته ایران مدعی شدند که ایران دارای بمب اتمی است. ولی تا به امروز نیز موفق نشده‌اند، این بمب اتمی را پیدا کنند. همین استدلال را امپریالیستها در مورد عراق می‌کردند و به دروغ مدعی بودند که دولت عراق دارای سلاحهای کشتار جمعی است. تونی بلر جانی نخست وزیر وقت بریتانیا حتی مدعی شد که عراقی‌ها می‌تواند در عرض ۴۵ دقیقه لندن را با سلاح کشتار جمعی نابود کنند. آنها در کنار سلاحهای کشتار جمعی مدعی شدند که باید راکتهای عراق را از بین برد زیرا طول آنها چند سانتیمتر درازتر از طول راکتهای مجاز است و آنوقت راکتهای عراق را به کمک کارشناسان امریکائی سازمان ملل متحد نابود کردند. وقتی تمام سلاحهای عراق را از وی گرفتند، تازه شرایط مناسبی به دست آمده بود که به این کشور حمله کنند و تا به امروز نیز آنرا در اشغال خویش داشته باشند. حداقل ۱۵ هزار مستشار نظامی امریکائی در عراق حضور دارند که بر انتقال بی-مانع و بدون کنترل نفت عراق به بازارهای غرب نظارت می‌کند.

امپریالیستها همین نظر را در مورد ایران دارند. نخست با همان هو و جنجال سنتی که از وجود سلاحهای کشتار جمعی در ایران خبر دارند، شروع کردند. بعد به تسلیحات ایران و دانش فناوری راکتی ایران بند کردند تا آنها را از بین ببرند و سرانجام پای متحدان ایران در منطقه از یمن؛ عراق؛ حماس؛ حزب الله گرفته تا سوریه را به میان کشیدند و می‌کشند و تلاش می‌کنند این متحدان را تضعیف و بی‌ضرر کنند و آنوقت با خیال راحت به سراغ ایران بیایند. در اینجا سخن برای همه طرفها بر سر یک انتخاب استراتژیک است. شکست در سوریه سرآغاز نابودی ایران و نه نابودی رژیم جمهوری اسلامی است.

امپریالیستها تلاش کردند با ایجاد سازمانهای تروریستی القاعده؛ النصر و داعش و سایر گروه‌های تروریستی که ترمپ بی‌شرمانه آنها را به ایران نسبت می‌دهد، حکومت قانونی بشار اسد را سرنگون کنند و پشت دروازه‌های اسرائیل را برای حمله به ایران محکم گردانند. ترمپ دروغگو؛ داعش همدست خودش و دوستانش را دست‌پرورده ایران جلوه می‌دهد و از این همه دروغ شرم هم ندارد. وی مدعی است که در ایران مجدداً بمب اتمی پیدا شده است.

اروپا و امریکا

همه امپریالیستهای غرب با این سیاست ترمپ برای مهار ایران به نفع امپریالیسم غرب در اساس موافقت، فقط در نحوه تاکتیک اختلاف دارند. از این گذشته اروپائی‌ها قادر نیستند در مقابل فشار امریکا مقاومت کنند. سخن بر سر سرمایه-گذاری سرمایه‌داران المانی و یا فرانسوی نیست، سخن بر سر رد و بدل کردن بهای کالاهاست که نظارت بر نقل و

انتقال ارز را امریکائی‌ها در دست دارند. المانها و فرانسوی‌ها نمی‌توانند به ایران کالائی صادر کنند که نتوانند بهای آنرا دریافت نمایند. از این گذشته با تحریمهای اقتصادی و بانکی نسبت به ایران؛ درآمد ارزی ایران بسیار کاهش یافته است و این درآمد ارزی به علت وابستگی به دلار همواره با نوسانات دلار و بحرانهای مالی در نوسان است. ایران درآمدی ندارد تا بتواند از خارج کالاهای مورد نیاز خویش را وارد کرده و در ایران سرمایه‌گذاری کند. در ضمن هیچ تضمینی وجود ندارد که مانند زمان جنگ عراق؛ اروپا به دو دسته تبدیل نشود. فشارهای امریکا و اسرائیل بر روی اروپا بسیار شدید است و این خود می‌تواند وحدت اروپا را برهم زند. مسأله ایران برای ترمپ مسأله کنترل و مهار اروپا نیز هست.

رهبران ایران که در امر مبارزه برای به کرسی نشاندن حق مسلم ایران در استفاده مسالمت آمیز از انرژی هسته‌ای به یک خیانت ملی دست زدند، امروز مجدداً به امپریالیستهای اروپائی توسل می‌جویند تا این حضرات آنها را از دست ترمپ نجات دهند. آنها خیانت قبلی را با خیانت جدید کامل می‌کنند. این اقدام دولت ایران مبنی بر دست به دامن اروپا شدن، اقدامی از روی استیصال؛ درماندگی و بی‌دورنمائی است.

ایرانی‌های اپوزیسیون؛ اپوزیسیونی امریکائی-اسرائیلی

ایرانیائی هستند که از این اقدام ترمپ رسماً و آشکاراً حمایت می‌کنند. این عده همواره در جبهه ضد انقلاب قرار داشتند. ایرانی‌هایی هم هستند که اشتباهات گذشته خویش را با اشتباهات جدید می‌پوشانند. آنها کسانی هستند که همیشه هوادار تجاوز امریکا به ایران بودند و از سیاستهای تجاوزکارانه جرج بوش دفاع می‌کردند. این ایرانی‌ها که خود را انقلابی می‌خوانند، مدعی بودند که ایران دارای بمب اتمی است و هماهنگ با امپریالیسم و صهیونیسم بر ضد بمب اتمی ایران که هیچوقت پیدا نشد، تبلیغ می‌کردند. این ایرانی‌ها مدعی بودند که ایران دروغ می‌گوید و امریکا راست می‌گوید و فشار امریکا بر ایران برای "راست‌آزمائی" ایران است. این ایرانی‌ها از قرارداد خائنانه "برجام" دفاع کردند و مدعی شدند که با این اقدام خطر جنگ بر ضد ایران مرتفع شد. مشتی نادان هم در خیابانها به کمک ایادی امپریالیستها در ایران رقصیدند. این ایرانی‌ها تبلیغ می‌کردند که اگر ایران از حقوق قانونی خود بگذرد و تسلیم امپریالیستها شود، ایران رونق اقتصادی پیدا می‌کند و بهشت برین می‌شود. همه این ایرانی‌های دروغگو و مردم فریب امروز رنگ عوض کرده و با اروپائی‌ها هم‌زبان شده و مدعی هستند که ایران باید "از دخالت در امور همسایگان خود دست بردارد". به ماجراجوئی راکتی دست نزنند و در یک کلام نوکر اجانب شود. ایران نباید سیاست خارجی خودش را خود تعیین کند، بلکه باید از نتانیاها و ترمپ اجازه بگیرد و این وظیفه را به عهده افرادی نظیر نتانیاها، آنجلا مرکل، امانوئل ماکرون و دونالد ترمپ واگذار کند تا آنها سیاست خارجی ایران را تعیین کنند. ترمپ مجدداً مسأله سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی را به میان کشیده است و در بوق جنگ می‌دمد و از نظر این اپوزیسیون امریکائی؛ این اقدام ترمپ دخالت آشکار در امور داخلی یک کشور دیگر نیست. به نظر این عده این حق "طبیعی" امریکاست که به همه زور بگوید. باز این ایرانی‌های خودفروخته و عامل امریکا و اسرائیل بخواهند خاست و در کنار امریکا قرار خواهند گرفت، تا رژیم جمهوری اسلامی را سرنگون کنند. هیچکس از این ایرانی‌های امریکائی-اسرائیلی انتقادی به ترمپ ندارد که یک توافقنامه جهانی را سرخود و با توسل به دروغ برهم زده است. هیچکس از آنها امپریالیسم امریکا را محکوم نمی‌کند و مرکز ثقل حمله خود را متوجه ترمپ نمی‌گرداند، برعکس آب به آسیاب ترمپ می‌ریزد و خود را انقلابی جا می‌زند. برای همه آنها ایران مقصر است. این عده جاده صافکن‌های امپریالیسم در ایران هستند و از سکوتشان در مورد افساء ماهیت امپریالیسم و صهیونیسم می‌شود به ماهیت سازشکارانه و حتی خیانتکارانه آنها پی‌برد.

خطر جنگ افزایش یافته است

با وضعیت جدیدی که طبقه حاکمه امریکا از زمان نابودی حق مسلم ایران در مسأله استفاده مسالمت آمیز از نیروی هسته‌ای و تحمیل قرارداد ننگین "برجام" به ایران بوجود آورده است، خطر جنگ که هیچوقت از بین نرفته بود، افزایش یافته است. امریکا به تقویت عربستان سعودی؛ اسرائیل؛ امارات متحده عربی و اپوزیسیون خودفروخته ایران و تجزیه طلبان گُرد و آذری در ایران مشغول است تا یک جنگ تمام عیار در منطقه ایجاد کند. امریکا از ده هزار کیلومتر آنطرفتر به خلیج فارس آمده، پایگاه نظامی ایجاد کرده؛ ده هزار سرباز امریکائی را در قطر مستقر ساخته؛ ولی این اپوزیسیون خودفروخته ایرانی از دخالت امریکا در عراق؛ افغانستان؛ سوریه و یمن صحبتی نمی‌کند. امریکا هرگز در این سیاست راهبردی خویش تغییری نداده بود، ولی آنرا به خاطر وجود سوریه؛ لبنان و فلسطین که پشت جبهه ایران بودند و هستند به عقب انداخته بود، ولی اکنون موقع را برای یک حمله جدید و به علت شکست در سوریه؛ در یمن و در بحرین مناسب تشخیص می‌دهد.

وضعیت ایران به همان زمانی برگشته است که از "حق مسلم خود" دفاع می‌کرد. در آن زمان همه تاسیسات هسته‌ای ایران وجود داشت و کار می‌کرد، دانش هسته‌ای تکامل مئیافت و وضع اقتصادی ایران بهتر از شرایط فعلی بود. دولت سوریه بر قدرت بود و جنبش حماس در فلسطین برای حقوق ملی خود و بر ضد صهیونیسم مبارزه می‌کرد. شرایط آن روز را با شرایط امروز مقایسه کنید. آنکس که در این زمینه به علت خیانت ملی بازنده شده است ایران است و نه امریکا. امپریالیسم همان سیاست سنتی خود را ادامه می‌دهد.

رژیم جمهوری اسلامی که انگشتش را به امپریالیسم داد، حالا باید دست و سرش را نیز بدهد. تکیه به امپریالیستهای اروپائی نمی‌تواند این رژیم را از سرنوشتی نجات دهد. فساد متعفن و مشهودی که سرپای این نظام مافیائی را در برگرفته است و تمام خانواده خونی آخوندها در آن منافع دارند و شریکند، به چنان فقری در ایران دامن زده که جان مردم را به لبشمان رسانده است. جلوگیری از این راهزنی‌ها؛ پیگرد چند تن از این آقا زاده‌های دزد؛ می‌تواند بسیاری از مشکلات مالی مردم را برطرف کند. می‌تواند منجر به پرداخت حقوق معوقه کارگران گردد. جلوگیری از ورود کالاهای خارجی که تولیدات داخلی را نابود کرده و فقر تولید می‌کنند؛ طبیعتاً به ضرر وزارت بازرگانی مافیائی و تجار اسلامی همدست آنهاست، ولی می‌تواند به زخمهای حاد جامعه ما مرهمی بگذارد. ولی رژیم جمهوری اسلامی که در فساد غوطه‌ور است نه تنها دشمنی سرسخت مردم ایران را در پشت سر دارد، بلکه در روبرو نیز با دشمن قهار امپریالیسم روبروست. سرنوشت همه رژیمهای ضد مردمی که برای مقابله با اجانب به نیروی مردم کشورشان تکیه نمی‌کنند و خواستهای آنها را برآورده نمی‌نمایند، همین بن بستی است که رژیم جمهوری اسلامی که خواب شب ندارد به آن دچار شده است.

مردم ایران باید به دست خود این رژیم فاسد را سرنگون کنند و در این مبارزه به سازمان به رهبری حزب طبقه کارگر ایران نیاز دارند. مبارزه مردم ایران برای اینکه انقلابی و مترقی و موثر باشد، باید از مضمونی ضد امپریالیستی، ضد صهیونیستی و دموکراتیک برخوردار گردد تا خط تمایز آن از همان آغاز با حرکتهای ارتجاعی انقلابات مخملی نمایان گردد. حزب ما تلاشهای خویش را در حد توانانش در این زمینه خواهد کرد. در ایران آزاد از دست جمهوری اسلامی مسلماً مردم ایران به حق مسلم و قانونی خویش در استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای خواهند رسید و به زیر بار هیچ زورگویی نخواهند رفت.

دست امپریالیسم امریکا از ایران و منطقه کوتاه باد!

حزب کار ایران (توفان) - ۱۹ اردیبهشت ۱۳۹۷ - www.toufan.org